

نظام انطباق در
زبان تاتے

دکتر راحله ایزدی فر



نظام انطباق در زبان تاتی

دکتر راحله ایزدی فر



فرهنگ ایلیا

سرشناسنامه: ایزدی‌فر، راحله ۱۳۶۱ -
عنوان و پدیدآور: نظام انطباق در زبان تاتی / راحله ایزدی‌فر.
مشخصات نشر: رشت، فرهنگ‌ایلیا، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۱۹۲ ص.
شابک: ۲ - ۵۶۲ - ۱۹۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸
موضوع: تاتی - - دستور زبان
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ الف ۳۲ ت / PIR ۳۳۴۲
رده‌بندی دیویی: ۴ / ۵ آ ۹ فا
شماره کتابخانه ملی: ۴۹۵۵۹۹۶



فرهنگ ایلیا

● نظام انطباق در زبان تاتی	● راحله ایزدی‌فر
● چاپ نخست: ۱۳۹۶	● شمارگان: هزار نسخه
● شماره نشر: ۶۶۸	● شماره نشر: ۶۶۸
● نسخه‌پردازی و آماده‌سازی: کارگاه نشر فرهنگ‌ایلیا	
● تمامی حقوق این کتاب محفوظ است.	
● شابک: ۲ - ۵۶۲ - ۱۹۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸	
● نشر فرهنگ‌ایلیا؛ رشت، خ آزادگان، جنب دبیرستان بهشتی، خ صفایی، خ حاتم، شماره ۴۹	
● تلفن: ۳۳۳۴۴۷۳۳ ۳۳۳۴۴۷۳۲ - ۰۱۳	● دورنگار: ۳۳۳۲۱۸۲۸ - ۰۱۳

Email: nashreilia@yahoo.com www.farhangeilia.ir

تقدیم به استادم:

دکتر محمد راسخ مہند

فهرست

۹	جدول علائم آوانگاری و نشانه‌های اختصاری
۱۱	پیشگفتار
۱۳	بخش اول: پیشینه تحقیق در مورد نظام انطباق در زبان تاتی
۱۴	انطباق در گونه‌های تاتی
۱۴	حالت نمایی
۱۷	نظام حالت در ضمائر
۱۸	حالت غیرمستقیم مختوم به Γ (a) -
۱۸	مفعول نمایی افتراقی
۱۹	مطابقه
۲۰	پی‌بست‌های ضمیری
۲۳	بخش دوم: نظام انطباق در زبان تاتی
۲۴	نظام انطباق در گونه کرینی
۲۶	ویژگی‌های دستوری کرینی
۲۹	نظام حالت‌نمایی در زمان حال در کرینی
۳۷	نظام حالت‌نمایی در زمان گذشته در کرینی
۴۱	نظام مطابقه در زمان حال در کرینی
۴۴	نظام مطابقه در زمان گذشته در کرینی
۴۹	ضمایر پی‌بستی کرینی
۵۶	ساخت‌های دومفعولی کرینی
۵۹	تضعیف نظام انطباق کرینی
۶۶	نظام انطباق در گونه اشتهاردی
۶۶	مقدمه
۶۷	ویژگی‌های دستوری اشتهاردی
۷۱	نظام حالت‌نمایی در زمان حال در اشتهاردی
۷۷	نظام حالت‌نمایی در زمان گذشته در اشتهاردی
۸۱	نظام مطابقه در زمان حال در اشتهاردی
۸۳	نظام مطابقه در زمان گذشته در اشتهاردی
۸۷	ضمایر پی‌بستی اشتهاردی

۹۰.....	ساخت‌های دومفعولی اشتهاردی.....
۹۲.....	شیوه‌های تضعیف نظام انطباق در اشتهاردی.....
۹۵.....	نظام انطباق در گونه هزارودی.....
۹۵.....	مقدمه.....
۹۷.....	ویژگی‌های دستوری هزارودی.....
۱۰۱.....	نظام حالت‌نمایی در زمان حال در هزارودی.....
۱۰۵.....	نظام حالت‌نمایی در زمان گذشته در هزارودی.....
۱۱۱.....	نظام مطابقه در زمان گذشته در هزارودی.....
۱۱۴.....	ضمایر پی‌بستی هزارودی.....
۱۱۶.....	ساخت‌های دومفعولی هزارودی.....
۱۱۸.....	شیوه‌های تضعیف نظام انطباق در هزارودی.....
۱۲۰.....	نظام انطباق در گونه تاکستانی.....
۱۲۱.....	ویژگی‌های دستوری تاکستانی.....
۱۲۵.....	نظام حالت‌نمایی در جملات زمان حال در تاکستانی.....
۱۳۱.....	نظام حالت‌نمایی در زمان گذشته در تاکستانی.....
۱۳۷.....	نظام مطابقه در زمان حال در تاکستانی.....
۱۴۰.....	نظام مطابقه در زمان گذشته در تاکستانی.....
۱۴۲.....	ضمایر پی‌بستی تاکستانی.....
۱۴۸.....	ساخت‌های دومفعولی تاکستانی.....
۱۵۴.....	نظام انطباق در گونه جوینی.....
۱۵۶.....	ویژگی‌های دستوری جوینی.....
۱۶۲.....	نظام حالت‌نمایی در جوینی.....
۱۶۵.....	مفعول‌نمایی افتراقی در جوینی.....
۱۶۸.....	مطابقه در جوینی.....
۱۷۲.....	ساخت‌های دومفعولی جوینی.....
۱۷۷.....	بخش سوم: نتیجه‌گیری.....
۱۷۷.....	حالت‌نمایی.....
۱۷۹.....	مفعول‌نمایی افتراقی.....
۱۸۱.....	مطابقه.....
۱۸۳.....	ضمایر پی‌بستی.....
۱۸۴.....	ساخت‌های دومفعولی.....
۱۸۶.....	خلاصه نتایج.....
۱۸۸.....	کتاب نامه.....

جدول علائم آوانگاری و نشانه‌های اختصاری

مهم‌ترین علائم آوانگاری و اختصاری مورد استفاده در این کتاب در جدول زیر ذکر شده‌اند.

Abs, ABS	absolutive	(حالت) مطلق
Acc, ACC	Accusative	(حالت) مفعولی
CL	classifier	طبقه‌نما
Cl	clitic	واژه‌بست
Cont	continuous	استمراری
Dat, DAT	dative	(حالت) بهره‌وری
Dir, DIR	direct	(حالت) مستقیم
Erg, ERG	ergative	(حالت) کُنائی
Fem	feminine	مونث
GEN, Gen	genitive	(حالت) اضافی
M, MS, ms	Masculine	مذکر
Neg, NEG	negative, negation	منفی
P	patient	مفعول
Perf, PRF	Perfect	کامل
Pl, PL, pl	Plural	جمع
Post	Postposition	پس‌اضافه
PN	proper noun	اسم خاص
Pst, PST	Past	گذشته
S	Subject	فاعل

پیشگفتار

این اثر، صورت تکمیل شده رساله دکتری نگارنده در رشته زبان‌شناسی همگانی دانشگاه بوعلی سینا همدان است. هرچه از دفاع این رساله می‌گذرد بیشتر به کاستی‌های آن پی می‌برم؛ با این حال، آن را تنها مقدمه‌ای جهت بررسی علمی زبان غنی و کهن تاتی می‌دانم و امیدوارم نواقص و کم‌کوشی‌های آن عامل و بهانه‌ای برای تکمیل، مطالعه و تحقیق بیشتر در این حوزه باشد.

بخش نخست اثر کنونی به طور مختصر به مرور پیشینه تحقیقات در مورد نظام انطباق در زبان تاتی اختصاص دارد و بخش بعد به تفصیل به بررسی نظام انطباق در پنج گونه کرینی، اشتهاردی، هزاررودی، تاکستانی و جوبنی پرداخته است.

از محبت‌های فراوان تات‌زبانانی که صبورانه مرا در انجام این تحقیق یاری دادند سپاسگزاری می‌کنم و انجام این تحقیق را مدیون محبت‌ها و صبوری‌های فراوان آنان هستم، به ویژه خانم‌ها سعیده رحمانی، شیرین قصابی، رقیه توکلی، ملوک گنجی، ندا طاهرخانی، فاطمه نژادعلی، ندا مهدوی، فرناز طاهرخانی، الهام رحمانی و آقایان علی عزیزاده‌جوبنی، زنده‌یاد علیرضا ولی‌محمدی هزاررود، حسین طوفانی، حسین قصابی، رضا واحدی، سلمان ولی‌محمدی، عباس رحمانی، مهدی ویس‌نایان، علی محمد آقاعلیخانی، جواد معراجی لرد، حمید ترابی، جاسم ایراندوست، حسین رحیمی، ابوالفضی سولی‌بیگ، عباس طاهری، مهدی خلج، علیرضا خلج، سید روح‌الله سیدعلوی، حسین غلامی، علی اکبر پورقاسم، احسان صمدی، نورالدین اسلامی، دکتر رضا طاهرخانی، علیرضا طاهرخانی، دکتر نصرالله پورمحمدی املشی، و دکتر جهان‌دوست سبزه‌علی‌پور و خانواده‌های محترمشان. پروردگارا حسن عاقبت، سلامت و سعادت را برای تمام این بزرگواران که مرا در این راه یاری داده‌اند مقدر فرما.

در تمام مراحل این کار، از آغاز تا انجام، خود را مدیون زحمات بی دریغ استادانم، به ویژه دکتر محمد راسخ مهند می دانم که دقت، صبوری و سخت کوشی ایشان همیشه دست مایه این حقیر بوده است و این اثر نیز چه به صورت رساله و چه به صورت کتاب، حاصل تشویق همیشگی ایشان است. همچنین از استادان بزرگوارم، دکتر حسن رضایی باغبیدی، دکتر امید طیب زاده، دکتر مهرداد نغزگوی کهن و دکتر یوسف آرام که در مسیر تحصیل و نیز نگارش این اثر، همواره یاری ام داده اند و نکات علمی و اخلاقی فراوانی از آنان فرا گرفته ام سپاسگزارم و همواره قدردان زحمات آنان خواهم بود. از استادان بزرگوار، دکتر محرم اسلامی، دکتر بهروز محمودی بختیاری و دکتر جهان دوست سبزه علیپور نیز که بزرگوارانه پیش نویس این اثر را مطالعه کرده و نکات ارزشمند فراوانی را به بنده متذکر شدند سپاسگزارم.

در پایان، از زحمات همیشگی پدر و مادر مهربان و صبورم، محمد ایزدی فر و فاطمه فامیل تخمه چی، و تحمل و بردباری همسرم، محمد مهدی شوشتری سپاسگزارم.

راحله ایزدی فر

۱۳۹۶

بخش اول:

پیشینه تحقیق در مورد نظام انطباق در زبان تاتی

زبان تاتی یکی از زبان‌های ایرانی نو شمال غربی است. این زبان در نقاط مختلفی از ایران رواج دارد و شامل گویش‌هایی است که در منطقه وسیعی از جنوب رودخانه ارس تا مناطق اطراف ساوه رواج دارند. اقوام تات از اقوام ایرانی تبار هستند که به صورت پراکنده در مناطقی در شمال غربی ایران زندگی می‌کنند. بیشتر تات‌های ایران در نیمه جنوبی استان اردبیل در شهرستان خلخال بخش شاهرود و در استان قزوین در شهرستان‌های تاکستان و منطقه بوئین‌زهرا سکونت دارند. دیگر تات‌های ایران در استان‌های زنجان، آذربایجان شرقی، البرز، گیلان و مرکزی ساکن هستند. از یک سو وجود ویژگی‌های دستوری قابل توجه و حفظ بسیاری ویژگی‌های کهن در صرف، نحو و واژگان و از سوی دیگر، اهمیت موقعیت جغرافیایی این گویش‌ها در بازسازی سیر تحول زبان‌های ایرانی شمال غربی، بر اهمیت این گویش‌ها می‌افزاید.

انطباق اصطلاحی گسترده است و به شیوه‌های مختلف رفتار با موضوع‌های اصلی بندهای متعددی و لازم در دستور یک زبان اطلاق می‌شود. رده‌شناسی انطباق نسبت به مجموعه ظرفیت واژگانی تعیین می‌شود و شامل انطباق تمام نقش‌های موضوعی با یکدیگر و با تمام انواع وابسته‌های اسمی و افزوده‌ها^۱ است. از آنجا که سلسله‌مراتب روابط دستوری به دسته‌بندی روابط دستوری بین یک فعل اصلی یا گزاره و موضوع^۲‌های وابسته‌اش می‌پردازد، این سلسله‌مراتب نقش مهمی در سازماندهی ساختار دستوری ایفا می‌کند. روابط دستوری برای نشان دادن نحوی نقش‌های شرکت‌کننده در موقعیت‌های نشان داده شده توسط گزاره به کار می‌روند. الگوهای نشان دادن نقش شرکت‌کننده‌ها ممکن است تا حد زیادی بین زبان‌های مختلف متفاوت باشد. سه ابزاری که برای نشان دادن نقش

1. adjuncts

2. argument

شرکت‌کنندگان به کار می‌روند شامل حالت‌نمایی، نمایه‌کردن^۱، و ترتیب کلمات هستند که به عنوان زیربخش‌های انطباق مطرح شده‌اند. این سه شیوه از روش‌های اصلی تعیین انطباق ساخت موردنظر در یک زبان خاص هستند. با استفاده از این شیوه‌ها هر زبان نشان می‌دهد که کدام اسم درون جمله فاعل و کدام مفعول مستقیم یا مفعول غیرمستقیم است. انطباق در زبان‌های ایرانی به سه شیوه انجام می‌گیرد:

الف) نشان دادن موضوع‌ها با استفاده از حالت‌نماها

ب) ارجاع به موضوع‌های اصلی از خارج گروه اسمی به ویژه با استفاده از واژه‌بست‌های ضمیر

ج) مطابقت بین فعل و موضوع‌هایش

مواد زبانی مورد نیاز این تحقیق به روش میدانی گردآوری شده است و جمله‌های مورد بررسی به شکل مصاحبه از گویشوران تاتی‌زبان پرسیده و ثبت شده است. همچنین از منابع کتابخانه‌ای مرتبط نیز استفاده شده است.

انطباق در گونه‌های تاتی

تمام گونه‌های تاتی در جمله‌های حاوی فعل ساخته‌شده با ستاک حال از حالت‌نمایی و مطابقت فاعلی - مفعولی پیروی می‌کنند. اما در جمله‌های حاوی فعل ساخته‌شده با ستاک گذشته تنوع زیادی در میان گونه‌های تاتی مشاهده می‌شود. دبیرمقدم با بررسی نظام انطباق در تاتی چالی به این نتیجه رسیده که دو نظام مطابقت و حالت در کنار هم در صورت‌بندی نقش‌های دستوری در تاتی عمل می‌کنند اما به باور او (دبیرمقدم ۱۳۹۲: ۱۱۶۷) عملکرد نظام مطابقت و نظام حالت مستقل از یکدیگر است و شواهد برگرفته از تاتی چالی دستاورد مهم رده‌شناسی زبان است. در ادامه، تحقیقات پیشین در مورد شیوه‌های انطباق در گونه‌های تاتی به اختصار معرفی شده‌اند.

حالت‌نمایی

بیشتر گونه‌های تاتی کنونی نظام حالت دوتایی و جنس دستوری را حفظ کرده‌اند (استیلو ۲۰۰۹: ۷۰۱). در نظام اسم‌ها و ضمائر در گروه زبانی تاتی‌تبار، نظام حالت دوتایی وجود دارد (ویندفور ۱۹۹۰، ویندفور ۱۳۸۳). این دو حالت عبارتند از حالت مستقیم^۲ و حالت غیرمستقیم^۳، که هر یک نقش‌های مختلفی

1. indexation
2. direct
3. oblique

را بر عهده دارند (استیلو ۱۹۸۱: ۱۸۰). حالت مستقیم اسم مفرد مذکر عموماً بدون نشانه است و هیچ پایانه حالتی به آن اضافه نمی‌شود. نقش‌های حالت مستقیم عبارتند از (استیلو ۱۹۸۱: ۱۸۰، یارشاطر ۱۹۵۹: ۵۷):

(الف) فاعل فعل‌های لازم در تمام زمان‌ها

(ب) فاعل فعل‌های متعدی در زمان حال

(ج) مفعول فعل‌های متعدی در زمان گذشته (این کاربرد در برخی گونه‌ها وجود دارد)

(د) مفعول مستقیم نکره در زمان حال (و گذشته در برخی گونه‌ها)

(ه) مقصد بدون حرف اضافه پیشین

اکثر گونه‌های تاتی حداقل یک حالت غیرمستقیم (مفرد) دارند و در برخی از گونه‌ها گاهی دو و

یا حتی سه حالت غیرمستقیم (مفرد مذکر، مفرد مؤنث، جمع) نیز وجود دارد.

حالت غیرمستقیم نقش‌های زیر را ایفا می‌کند (استیلو ۱۹۸۱: ۱۸۰-۱۸۱، لکوک ۱۳۸۳: ۴۹۷، یارشاطر

۱۹۵۹: ۵۷، دبیرمقدم ۱۳۹۲: ۱۱۶۰):

(الف) فاعل فعل‌های متعدی در زمان گذشته (در برخی گونه‌ها)

(ب) مفعول صریح فعل‌های متعدی در زمان حال (و در برخی گونه‌ها همچون چالی همچنین در

زمان‌های گذشته) در بسیاری گونه‌ها در صورت معرفه‌بودن مفعول مستقیم

(ج) حالت ملکی یا اضافی (مضاف‌الیه پیش از مضاف قرار می‌گیرد)

(د) مفعول غیرمستقیم

(ه) مفعول حروف اضافه پیشین (اختیاری)

(و) مفعول حروف اضافه پسین

به طور کلی نظام‌های حالت اصلی شامل نظام حالت فاعلی - مفعولی و نظام حالت کنایی - مطلق می‌باشند. در جمله‌های دارای ساخت فاعلی^۱، فاعل فعل‌های لازم و متعدی دارای حالت مستقیم یا فاعلی هستند که اغلب حالت بی‌نشان است و هیچ پایانه حالتی به اسم‌ها اضافه نمی‌شود. در مقابل، مفعول مستقیم فعل‌های متعدی با حالت مفعولی^۲ یا نشانه مفعولی نشان داده می‌شود. ساخت فاعلی در تقابل با ساخت کنایی است. زبان‌هایی که از نظام حالت کنایی - مطلق پیروی می‌کنند را زبان‌های کنایی^۳ می‌نامند. ساخت کنایی را در برخی از منابع در مورد زبان‌های ایرانی، ساخت مجهول یا

1. nominative
2. accusative
3. ergative

کنادی^۱ نیز نامیده‌اند گرچه جمله‌های از این دست به هیچ وجه دارای معنای مجهول نیستند. در جمله‌های نوع کنایی، فاعل فعل‌های لازم و مفعول فعل‌های متعدی با حالت یکسان یعنی حالت مستقیم یا حالت بی‌نشان^۲ نشان داده می‌شود. در مقابل، فاعل فعل‌های متعدی با حالت خاصی نشان داده می‌شود که تنها برای این نقش نحوی به کار می‌رود. این حالت را حالت کنایی یا حالت کنادی نامیده‌اند. کنایی بودن در گونه‌های تاتی، زمان-مبنا^۳ است به این معنی که این گونه‌ها در نظام حال دارای ساخت فاعلی و در نظام گذشته دارای ساخت کنایی هستند. این کنایی بودن زمان-مبنا موجب تغییر نقش‌های حالت بر اساس زمان فعل متعدی می‌گردد.

در زبان ایرانی باستان، گرایش به ساختن ساخت‌های زمان گذشته بر اساس وجه^۴ گذشته / کامل دارای ta- به اضافه فعل کمکی «بودن» وجود داشته است. بنابراین در زمان حال، حالت‌نمایی از الگوی فاعلی-مفعولی پیروی می‌کند و در زمان گذشته، فاعل یا عامل به لحاظ صرفی دارای حالت غیرمستقیم است و مفعول یا کنش‌پذیر دارای حالت مستقیم است. منشا این ساخت به ساخت مجهول وجهی^۵ «که توسط من انجام شد» باز می‌گردد و از این رو این ساخت‌ها را در زبان‌شناسی ایرانی «ساخت مجهول» می‌نامیدند. به زودی این ساخت با نظام فعلی یکپارچه گشت و نقش معلوم پیدا کرد (ویندفور ۱۹۹۰).

در جمله‌های متعدی گذشته برخی گونه‌های تاتی از جمله لردی، حالت‌نمایی کنایی-مطلق به طور کامل وجود دارد. در این جملات، فاعل دارای حالت غیرمستقیم و مفعول دارای حالت مستقیم است. نظام حالت در برخی گونه‌های تاتی از ویژگی‌های کهن‌تری برخوردار است و نظام حالت اصلی تلقی می‌شود (راسخ‌مهند ۱۳۸۶: ۸). در گونه‌های منطقه رامند، نظام حالت تعدیل شده و کم‌رنگ‌تر شده است. نظام حالت در گونه‌های تاتی جنوبی به صورت پیوستار زیر است (همو: ۱۱):

اشتهاردی < چالی، خیارجی، ابراهیم‌آبادی، سگزآبادی، اسفرورینی، خوزینی < تاکستانی، دانسفهانی.

نظام حالت کنایی-مطلق در جمله‌های متعدی گذشته در بیشتر گونه‌های تاتی در حال فروپاشی است. درجات مختلفی از این فروپاشی در گونه‌های مختلف تاتی دیده می‌شود. به عنوان نمونه در

-
1. agentive
 2. unmarked
 3. tense-based
 4. participle
 5. participial passive

چالی، مفعول در جمله‌های متعدی گذشته نیز با حالت‌نمای غیرمستقیم نشان داده می‌شود (دیرمقدم ۱۳۹۲: ۱۱۶۰). در این جمله‌ها، فاعل با حالت مستقیم و مفعول با حالت غیرمستقیم نشان داده شده و نظام حالت به طور کامل به نظام حالت فاعلی - مفعولی تغییر یافته است.

سبزعلیپور (۱۳۹۲ الف) نحوه فروپاشی ساخت کنایی - مطلق در گونه‌های تاتی خلخال را به این صورت بیان کرده که پی‌بست‌ها از جایگاه دوم خارج شده‌اند و به سوی فعل در حال حرکتند؛ تطابق فعل با مفعول در شمار، شخص و جنس، و تمایز حالت مستقیم و غیرمستقیم در اسم‌ها و ضمائر در حال از بین رفتن است و نحوه استفاده از ضمائر در بسیاری از گونه‌های تاتی نابسامان شده است. در دروی، گیلوانی و کهلی، فاعل مفرد و مفعول جمع هر دو با حالت غیرمستقیم نشان داده می‌شوند (رضایتی کیشه‌خاله و سبزعلیپور ۱۳۸۶: ۹۷).

در جمله‌های متعدی گذشته در گونه کهلی و طهارم‌دشتی، برای نشان دادن عامل جمله به جای صورت غیرمستقیم ضمیر شخصی اول شخص مفرد از صورت مستقیم آن استفاده می‌شود. این امر نیز از نشانه‌های فروپاشی نظام حالت کنایی به شمار می‌رود (همو: ۹۹).

در برخی گونه‌ها همچون شالی تنها یک نشانه جمع برای هر دو حالت مستقیم و غیرمستقیم وجود دارد. اما در برخی گونه‌های تاتی، نشانه حالت مستقیم و غیرمستقیم برای اسم‌های جمع متفاوت است.

نظام حالت در ضمائر

در نظام ضمائر، برخی گونه‌های تاتی دارای همان نظام حالت‌هایی هستند که در اسم‌ها دارند. در بیشتر گونه‌های تاتی از جمله گونه‌های تاتی خلخال و کجلی، چهار صورت ضمیر شخصی وجود دارد که عبارتند از: ضمیر مستقیم، ضمیر غیرمستقیم، ضمیر ملکی، و ضمیر پی‌بستی دارای نقش غیرمستقیم (یارشاطر ۱۹۶۰: ۲۸۰). ضمیر اول شخص مفرد، سوم شخص مفرد و جمع بیشترین صورت‌های متفاوت را دارا هستند و ضمیر دوم شخص مفرد و جمع و اول شخص جمع دارای صورت یکسان برای حالت مستقیم و غیرمستقیم هستند. به عنوان نمونه، حالت مستقیم ضمیر اول شخص مفرد در دروی، az، حالت غیرمستقیم این ضمیر، man، و ضمیر ملکی آن čeman است (رضایتی کیشه‌خاله و سبزعلیپور ۱۳۸۶ و سبزعلیپور و ایزدی فر ۱۳۹۳).

در میان گونه‌های رامندی تنها چالی یک مجموعه ضمائر عاملی متمایز از ضمائر غیرمستقیم خود را حفظ کرده است. در چالی سه صورت برای ضمیر منفصل اول شخص مفرد وجود دارد: az صورت حالت مستقیم / فاعلی آن است. ċemen شکل حالت غیرفاعلی آن می‌باشد و men صورت حالت کنایی یعنی حالت ارگتیو آن را نشان می‌دهد که فقط در جایگاه فاعل فعل متعدی گذشته به کار می‌رود (دبیرمقدم ۱۳۹۲: ۱۰۹۴). در دیگر گونه‌های رامندی، تنها دو صورت برای ضمائر شخصی وجود دارد که برای اول شخص مفرد، az در حالت مستقیم و ċeme(n) در حالت غیرمستقیم می‌باشد (یارشاطر ۱۹۶۹ الف: ۱۴۷-۱۴۹، هیگ ۲۰۰۸ الف: ۱۶۳).

در برخی گونه‌ها، نقش‌هایی که در مورد اسم با یک حالت غیرمستقیم نشان داده می‌شوند دارای حالت‌های ضمیری خاصی هستند که بسته به زبان مورد نظر از سه تا پنج حالت مختلف هستند. هیگ (۲۰۰۸ الف: ۱۶۹) نظام ضمائر تاتی طارم را پیچیده‌ترین نظام در میان زبان‌های ایرانی غربی دانسته است. فهرستی از ضمائر گونه‌های تاتی در لکوک (۱۳۸۳: ۴۹۷-۴۹۸) آورده شده و هیگ (۲۰۰۸ الف: ۱۶۰-۱۷۲) نظام ضمائر گونه‌های تاتی را بررسی کرده است.

حالت غیرمستقیم مختوم به (a)r-

بسیاری از گونه‌های تاتی یک حالت غیرمستقیم کهن مختوم به (a)r- دارند که عمدتاً برای اسم‌های خویشاوندی به کار می‌رود. به عبارت دیگر، حالت غیرمستقیم مفرد در این گونه‌ها با افزودن r- به صورت تصریف‌نشده‌شان ساخته می‌شود. برای مثال pia/piar (پدر)، berā/berār (برادر)، x^wāka/x^wākar (خواهر)، māya/mār (مادر) (یارشاطر ۱۹۶۹ ب: ۲۸۸). همچون دیگر اسم‌ها، این حالت غیرمستقیم برای حالت مفعولی، اضافی و کنایی به کار می‌رود.

مفعول‌نمایی افتراقی

مفعول‌نمایی افتراقی در گونه‌های تاتی سبب می‌شود حالت برخی مفعول‌ها با نشانه حالت مستقیم و حالت برخی مفعول‌ها با نشانه حالت غیرمستقیم نشان داده شود. در گونه‌های تاتی، نمونه‌های فراوانی از مفعول‌نمایی افتراقی مشاهده می‌شود (راسخمهند ۱۳۸۶: ۱۱). برای مثال، حالت غیرمستقیم در گونه چالی تمام مفعول‌های معرفه را نشان می‌دهد اما مفعول‌های نکره مشخص و غیرمشخص بدون این نشانه حالت هستند و نقطه برش در چالی در قسمت آخر طیف معرفگی است.

مطابقه

نظام مطابقه با فاعل در بیشتر گونه‌های زبان تاتی دوگانه است و این دوگانگی به مولفه‌های گذرایی و زمان حساس است به این صورت که در فعل‌های لازم و در فعل‌های متعدی حال، مطابقه با فاعل را پسوندهای مطابقه فعلی صورت‌بندی می‌کنند. در فعل‌های لازم، فارغ از اینکه آن فعل با ستاک حال ساخته شده باشد یا ستاک گذشته، مطابقه با فاعل به کمک پسوندهای مطابقه در فعل ثبت می‌شود (دبیرمقدم ۱۳۹۲: ۱۱۴۴).

در فعل‌های متعدی حال، شخص و شمار فاعل در فعل صورت‌بندی می‌شود (همو: ۱۱۴۴). در جمله‌های حاوی فعل‌های متعدی حال، هرگاه مفعول صریح در جمله حضور داشته باشد، مطابقه با آن صورت نمی‌گیرد اما در صورتی که مفعول در جمله محذوف باشد، شخص و شمار آن در فعل ثبت می‌شود (همو: ۱۱۴۹). از این رو، الگوی نظام مطابقه در فعل‌های لازم و فعل‌های متعدی حال در تاتی، الگوی فاعلی - مفعولی است.

در فعل‌های متعدی گذشته در گونه‌های تاتی نظام مطابقه کنایی - مطلق به درجات مختلف وجود دارد. کامل‌ترین صورت ساخت کنایی در میان گونه‌های تاتی در گونه نوکیانی در طارم علیا وجود دارد که در آن عامل با حالت غیرمستقیم و مفعول با حالت مستقیم نشان داده می‌شود و فعل از لحاظ شمار و جنس با مفعول مطابقه دارد. در گونه‌های رامندی این ساخت به درجات مختلف تضعیف شده است. نزدیک‌ترین گونه از این لحاظ به نوکیانی، اشتھاردی است که محافظه‌کارترین گونه رامندی محسوب می‌شود و مطابقه با مفعول تنها با اسم‌های جاندار رخ می‌دهد و با مفعول‌های بیجان، مطابقه فعل معمولاً رخ نمی‌دهد و فعل به صورت مفرد مذکر باقی می‌ماند. مطابقه فعل با مفعول در اشتھاردی در میان نسل جوان کمتر از نسل مسن دیده می‌شود. نسل مسن‌تر این گونه حتی گاهی مطابقه فعل را برای اسم‌های بیجان نیز رعایت می‌کنند اما در گفتار نسل جوان حتی ممکن است برای اسم‌های اشاره به افراد، مطابقه با مفعول رعایت نشود (یارشاطر ۱۹۶۲: ۲۴۵).

کم‌رنگ‌ترین صورت ساخت کنایی در میان گونه‌های رامندی در گونه تاکستانی و اسفرورینی دیده می‌شود که در آنها عامل با حالت مستقیم و مفعول با حالت غیرمستقیم نشان داده می‌شود و فعل‌های متعدی گذشته که در ساخت کنایی به کار می‌روند با هیچ‌یک از اسم‌های مفعول مستقیم یا عامل جمله مطابقه ندارند (دبیرمقدم ۱۳۹۲: ۱۱۵۸).

در اشتهاوردی، فعل‌های متعدی گذشته صورت پایداری از ساخت کنایی را حفظ کرده‌اند و عموماً جنس مفعول مستقیم منطقی‌شان را به ویژه زمانی که مفعول جاندار باشد نشان می‌دهند. این تمایز در نوکیانی و گونه‌های دارای جنس مونث در خلخال نیز وجود دارد. در برخی گونه‌های تاتی خلخال از جمله لردی، کجلی، و کرینی، فعل در جنس و شمار از مفعول پیروی می‌کند (رضایتی کیشه‌خاله و سبزیلیپور ۱۳۸۶: ۹۷). در گونه‌های لردی و کرینی، علاوه بر شخص و جنس، فعل از لحاظ شمار نیز با مفعول مطابقت دارد (همو: ۹۸). مطابقت با تمام مفعول‌ها حتی مفعول‌های بیجان در ساخت کنایی گونه کلاسوری رعایت می‌شود. در کلاسوری، جنس دستوری وجود ندارد اما مطابقت فعل با مفعول برای اسم‌های مفرد و جمع وجود دارد.

پی‌بست‌های ضمیری

همچون بسیاری زبان‌های ایرانی، نشانه‌های مطابقت شخص^۱ که به صورت پی‌بست ضمیری به کار می‌روند و به عامل بندهای دارای فعل گذشته اشاره دارند، در گونه‌های مختلف گروه زبانی تاتی نیز به کار می‌روند اما به لحاظ اختیاری یا اجباری بودن و محل قرارگرفتن پی‌بست بین آنها تفاوت‌هایی وجود دارد (هیگ ۲۰۰۸ الف: ۱۶۱). در فعل‌های متعدی گذشته، مطابقت با فاعل به کمک پی‌بست‌های ضمیری غیرفاعلی (پی‌بست‌های ضمیری) صورت می‌گیرد (رک دبیرمقدم ۱۳۹۲: ۱۱۳۵). دو سازوکار پی‌بست‌های مطابقت (در فعل‌های لازم در زمان حال و گذشته و فعل‌های متعدی حال) و پسوندهای مطابقت (در فعل‌های متعدی گذشته) برای صورت‌بندی مطابقت با فاعل در تاتی دستوری شده‌اند.

در برخی گونه‌های تاتی، پی‌بست‌های ضمیری می‌توانند به میزبان‌های مختلفی متصل شوند. این ضمایر می‌توانند در گونه‌های تاتی خلخال به فعل متعدی، مفعول اعم از اسم یا ضمیر منفصل، قید، حرف اضافه، جزء اسمی فعل مرکب، و جزء وصفی فعل متعدی اضافه متصل شوند.

در جمله‌های طولانی در گونه‌های تاتی خلخال که از اجزای مختلف تشکیل شده‌اند، پی‌بست‌های ضمیری معمولاً به اولین کلمه متصل می‌شوند. با حذف یا جابجایی هر کلمه در آغاز چنین جملاتی، پی‌بست ضمیری به ترتیب به کلمه جایگزین متصل می‌شود و هیچ‌گاه حذف نمی‌شود مگر آنکه ضمیر منفصل غیرفاعلی یا اسم در آغاز جمله وجود داشته باشد (رضایتی کیشه‌خاله و سبزیلیپور ۱۳۸۶: ۹۶).

راسخ‌مهند (۱۳۸۸) پس از اشاره به سیر تاریخی پی‌بست‌های ضمیری در فارسی باستان و فارسی میانه، نقش و جایگاه این پی‌بست‌ها در گونه‌های تاتی جنوبی (منطقه رامند) را بررسی کرده است. به باور او (همو: ۱) گرچه جایگاه پی‌بست‌های ضمیری در فارسی باستان و میانه تا حدودی ثابت بوده و آنها در جایگاه واکرناگل یا جایگاه دوم یعنی پس از اولین واژه در جمله ظاهر می‌شده‌اند، این پی‌بست‌ها در تاتی جنوبی در نقش نشانه فاعل متعدی در زمان گذشته، نشانه مفعول مستقیم و نشانه نقش اضافی به کار می‌روند. راسخ‌مهند (همو) نشان داده که ضمائر پی‌بستی در تاتی جنوبی در نقش نشانه فاعل متعدی در زمان گذشته در جایگاه واکرناگل ظاهر می‌شوند و از این حیث با فارسی میانه مشترک هستند.

زمانی که گروه اسمی هم‌مرجع با پی‌بست دارای نقش کلامی (مبتدا یا تاکید) باشد، قبل از آنها قرار می‌گیرد اما این کاربرد اجباری نیست و این اسم تنها در برخی جملات ظاهر می‌شود. وقتی این گروه اسمی در ابتدای جمله واقع می‌شود، پی‌بست به سازه بعد از آن اضافه می‌شود، به عبارتی پی‌بست‌های ضمیری در جایگاه واکرناگل به اولین سازه دستوری جمله اضافه می‌شوند (راسخ‌مهند ۱۳۸۸: ۶-۷). پی‌بست‌های ضمیری در این نقش به سازه دستوری اول جمله اضافه می‌شوند و میزبان آنها می‌تواند اسم، قید، ضمیر، فعل، یا حرف ربط باشد. پی‌بست‌های ضمیری در نقش نشانه مفعول در تاتی جنوبی از جایگاه واکرناگل خارج شده‌اند اما هنوز به جایگاه پس از فعل نرفته‌اند و در جایگاه سازه قبل از فعل قرار می‌گیرند. از این حیث نسبت به فارسی میانه، این پی‌بست‌ها به سمت انتهای جمله حرکت کرده‌اند، هرچند هنوز به جایگاه انتهایی نرفته‌اند (همو: ۱-۹).

در جمله‌های متعدی گذشته تاتی لردی، پی‌بست‌های ضمیری اشاره به فاعل با فاعل در تقابل هستند یعنی یا فاعل در جمله بیان می‌شود و یا پی‌بست ضمیری (سبزعلیپور ۱۳۹۱: ۱۴۰).

دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۱۱۳۵-۱۱۳۸) بر این باور است که پی‌بست‌های ضمیری در چالی می‌توانند میزبان‌های مختلفی داشته باشند اما هیچ‌گاه به فاعل نمی‌پیوندند، از این رو از قانون واکرناگل پیروی نمی‌کنند. در چالی، پی‌بست‌های ضمیری می‌توانند به مفعول صریح، مفعول غیرصریح، فعل، جزء غیرفعلی فعل مرکب، همکرد، و قید زمان متصل شوند و یک معنای گزاره‌ای واحد را بیان کنند اما تفاوت آن دو در ارزش ساخت اطلاعی آنهاست. سازه حاوی پی‌بست مطابقه به لحاظ ساخت اطلاعی نقش کانون تقابلی دارد.

بخش دوم نظام انطباق در زبان تاتی

گونه‌های تاتی ویژگی‌های کهن زیادی را تا امروز حفظ کرده‌اند و اکنون در اثر گرایش کم جوانان به استفاده از زبان بومی خود، این گونه‌ها در معرض خطر نابودی هستند؛ با این حال، بیشتر این گونه‌ها هنوز مستندسازی نشده‌اند و مطالعات اندکی در مورد آنها انجام گرفته است. تمام گونه‌های زبان تاتی به علت برخی ویژگی‌های مشترک در یک گروه قرار داده شده‌اند، اما این گونه‌ها دارای خصوصیات مختلف آوایی، صرفی و نحوی هستند. شیوه‌های مختلف نشان‌دادن موضوع‌های فعلی یکی از این تفاوت‌ها است. در این بخش، پنج گونه تاتی کرینی، اشتهاودی، هزارودی، تاکستانی، و جوینی برای بررسی نظام انطباق انتخاب شده‌اند. نظام انطباق در زبان تاتی دست کم با استفاده از سه عامل تعریف می‌شود:

الف) حالت‌نمایی موضوع‌های اصلی

ب) مطابقه بین فعل و موضوع‌هایش

ج) ارجاع متقابل موضوع‌های اصلی در خارج از گروه اسمی، به ویژه با استفاده از واژه‌بست‌های

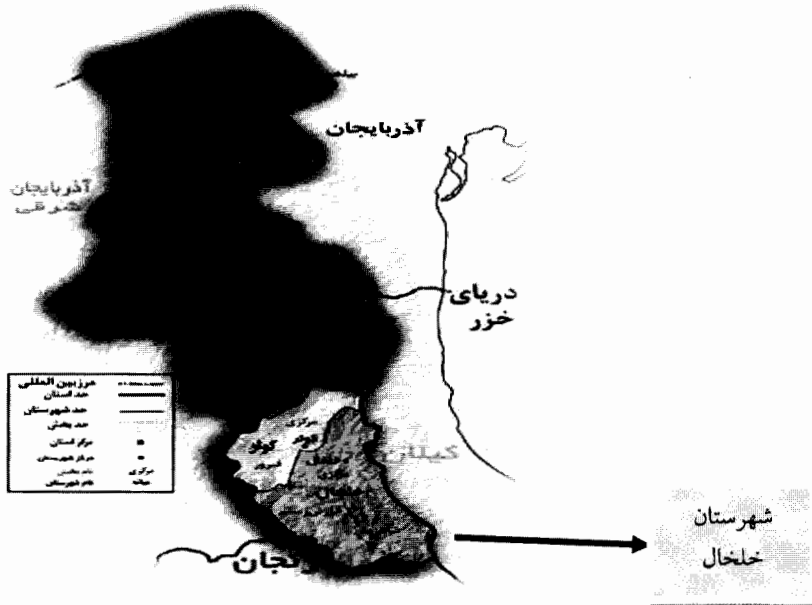
ضمیری

نکته حائز اهمیت در مورد بیشتر گونه‌های تاتی این است که انطباق در این گونه‌ها به زمان فعل بستگی دارد و در بندهای دارای فعل زمان حال و گذشته متفاوت است. از این رو باید نظام انطباق این گونه‌ها را در زمان حال و گذشته به طور جداگانه بررسی نمود. در ادامه، نظام انطباق هریک از پنج گونه مورد نظر پس از معرفی کوتاهی از هر گونه و ویژگی‌های دستوری آن بررسی می‌شود.

نظام انطباق در گونه کرینی

گونه کرینی در روستای کرین رایج است. این روستا در دهستان پلنگا در بخش شاهرود شهرستان خلخال در استان اردبیل واقع است و جمعیت آن در سرشماری سال ۱۳۹۰ کشور، ۴۲۹ نفر بوده است. یارشاطر در سال ۱۹۵۰، ۱۹۶۳ و ۱۹۶۵ برای گردآوری داده‌های زبانی از روستاهای کرین، لرد، دیز، و کرنق دیدن کرد که حاصل این تحقیقات را در مقاله یارشاطر (۲۰۰۹) خود منتشر کرد. به غیر از تاتی، زبان ترکی نیز در تمام این چهار روستا رایج است و کلمات ترکی در این گونه‌ها وام‌گیری شده‌اند. رضایتی کیشه‌خاله و سبزه‌علیپور (۱۳۸۶) ویژگی‌های ساخت ارگتیو را در چند گونه تاتی خلخال از جمله کرینی بررسی کرده‌اند.

جملات این بخش به صورت مصاحبه از گویشوران کرینی پرسیده و ثبت شده‌اند. از گویشوران محترم کرینی، جناب آقای حسین طوفانی، متولد سال ۱۳۶۱، و سرکار خانم رقیه توکلی، متولد سال ۱۳۷۰ و خانواده‌های محترمشان که نگارنده را در گردآوری داده‌های کرینی یاری دادند سپاسگزاری می‌کنم. موقعیت روستای کرین در نقشه‌های زیر نشان داده شده است:



نقشه (۱): موقعیت شهرستان خلخال در استان اردبیل